

## تصیبات دادگاهها

### رأی دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه عمومی باتهام گزارش خلاف واقع که بمناسبت وظیفه داده شده رسیدگی کرده

ماده ۲۶۹ مکرر قانون کیفر

و دیوان کیفر میبایست بموضوع اتهام مشارالیه رسیدگی نماید و اعتراض مزبور بالنتیجه وارد است زیرا بطوری که در ادعانامه دادستان شهرستان قید شده و بر گهای مربوط حکایت دارد متهم در موقعیکه کفیل باز پرس و تعقیب امور قاچاق بوده بمناسبت کار خود گزارش موضوع تعقیب را بمافوق خود داده ست و باینوصف طبق ماده یک از مواد مصوب ۵ آذر ۱۳۰۸ رسیدگی به اتهام او میبایست در دیوان کیفر خدمتگذاران دولت بعمل آید و دادگاه همگانی صلاحیت دادرسی رانداشته لذا حکم فرجام خواسته اساساً مخالف اصول محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری باتفاق آراء شکسته میشود و رسیدگی بدیوان کیفر خدمتگذاران دولت ارجاع میگردد»

یکتفر بازرس باتهام دادن گزارش خلاف واقع بمقامات متبوعه مورد تعقیب واقع و در دادگاه جنجه باستناد ماده ۲۶۹ مکرر قانون کیفر بدوماه حبس محکوم شده و دادگاه استان حکم را گسیخته و متهم را بکیفر بیشتری محکوم کرده - محکوم علیه فرجام خواسته دیوان کشور شعبه (۲) در دادنامه شماره ۱۶۸۴ بتاريخ ۱۸/۷/۲۳ چنین رأی داده :

« از جمله اعتراض فرجام خواه بر حکم مورد درخواست رسیدگی فرجامی اینست که بر فرض گزارش موضوع تعقیب برخلاف حقیقت و مندرجات آن مشمول ماده استنادی دادگاه باشد چون اقدام مشارالیه بدادن گزارش مزبور بر حسب وظیفه اداری خود بوده اساساً دادگاه عمومی برای رسیدگی بقضیه صلاحیت نداشته

### رأی دیوان کشور بر استوار کردن

در موردی که دادگاه رسیدگی باتهام ورود اسکناس ایران از خارج را از صلاحیت دادگاه اختصاصی مرکز دانسته

تبصره ماده (۱) قانون اسعار و ماده (۸) مقررات اسعاری

رأی داده است :

(مفاد اعتراض فرجامخواه مبنی بر این است که نظریه دادگاه باینکه طبق ماده ۹ قانون اسعار و آئین نامه ها رسیدگی باینگونه امور محول بدادگاه مخصوص است بیوجه است که مطابق تعریفی که در تبصره زیر ماده یک قانون اسعار نامبرده بعمل آمده است اسعار خارجی به نفود خارج اعم از فلز یا کاغذ اطلاق شده و اسکناس

کسی باتهام ورود مبلغی اسکناس ایران از خارج بکشور تحت تعقیب واقع و در دادگاه جنجه تیر نه میشود دادگاه استان از لحاظ آنکه مورد مشمول مقررات اسعاری است و باید در دادگاه اختصاصی مرکز دادرسی شود حکم را گسیخته و دادخواست را اوزده است محکوم علیه رسیدگی فرجامی خواسته - دیوان کشور شعبه (۵) در دادنامه شماره ۱۶۰۳ بتاريخ ۱۸/۷/۱۴ چنین

قانون را از وظایف دادگاه جنحه مختصی که در تهران تشکیل شده قرار داده بنا بر این قرار فرجام خواسته باتفاق آراء استوار میشود)

ایران از آنها محسوب نمیشود و این اعتراض وارد نیست زیرا که در همان قانون وارد کردن اسکناس بیش از ۲۰۰ ریال بایران ممنوع شده و برای آن مجازات معین گردیده و رسیدگی بکلیه اختلافات حاصله راجع به واد آن

### رأی دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد بیکه دادگاه بازجوئی محلی را بعنوان آنکه برای اثبات امر عدمی است و ازده

اثبات سوابق تصرف اینجانب بوده و اعتراض مزبور هر چند وارد است زیرا دلیلی بر اینست که امر عدمی بطور کلی قابل تحقیق و رسیدگی نباشد موجود نیست و ممکن است شهادت مطلعین چنانکه فرجامخواه اظهار داشته مشتمل بر امر وجودی باشد لیکن چون دلیل مذکور در حکم مورد شکایت بطور علاوه ذکر شده و دلیل عمده دادگاه آنستکه بازجوئی از اهل محل در این مورد بطوریکه پژوهش خواه خواسته نائیری در قضیه ندارد بنا بر این خدشه در دلیل مذکور موجب نقض نمیشود لذا حکم فرجام خواسته باتفاق آراء استوار میگردد)

کسی در مرحله بدوی محکوم بتخلیه ملک و تسلیم به خواهان شده و در مرحله پژوهشی اعتراض او بمفاد آنکه ( دادگاه در خواست بازجوئی محلی برای اثبات عدم تصرف خواهان را و ازده) از لحاظ آنکه تحقیق در امر عدمی مورد ندارد نپذیرفته و حکم را استوار کرده - دیوان کشور شعبه (۴) در دادنامه شماره ۱۶۰۶ بتاریخ ۱۸/۷/۱۱ چنین رأی داده است :

(اعتراض عمده فرجامخواه آنستکه عدم قبول تقاضای بازجوئی محلی بعنوان اینکه تحقیق در امر عدمی مورد ندارد صحیح نیست بجهت اینکه تقاضای بازجوئی برای

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه دادخواست پژوهشی از قرار تقسیط در دعوی اعسار را و ازده

### ماده ۲۶ قانون اعسار

۱۷۸۵ بتاریخ ۱۸/۷/۱۹ چنین رأی داده است :  
« چون رأی دادگاه در دعوی اعسار به تعیین اقساط برای تادیه محکوم به حکمی است که در زمینه اعسار صادر شده و مطابق ماده ۲۶ قانون اعسار قابل پژوهش و فرجام است لذا قرار صادر از دادگاه استان مبنی بر قابل پژوهش نبودن رأی مزبور صحیح نبوده و باتفاق آراء شکسته میشود... »

کسی بخواسته اعسار از پرداخت مبلغی در دادگاه شهرستان بر دیگری اقامه دعوی کرده و دادگاه پس از رسیدگی خواهانرا محکوم میکند که محکوم به را بتقسیت در حق خواننده بپردازد - خواننده از این حکم پژوهش خواسته و دادگاه استان پس از رسیدگی (باستناد اینکه قرار تقسیط قابل پژوهش نیست) دادخواست را و ازده - پژوهش خواه در خواست رسیدگی فرجامی نموده و شعبه (۴) دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره

## تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردی که دادگاه بدرخواست تحقیق محلی خواهان برای اثبات تصرف وقف ترتیب اثر نداده

## ماده ۱۱۸ قانون آزمایش

وقفیت و اینکه مورث خوانده غصبا ملک را از تصرف متصدی وقف انتزاع کرده درخواست اجرای آن میشود - دادگاه پس از رسیدگی دادنامه را استوار می کند - اداره اوقاف فرجام خواسته - شعبه ۳ دیوان کشور در دادنامه شماره ۱۵۰۱ بتاریخ ۲۶/۶/۱۸ چنین رأی داده است:

« چون فرجام خواه در ضمن لایحه اعتراضات پژوهشی برای اثبات تصرفات ممتده وقف و اینکه کسی که فرجام خوانده قائم مقام قانونی او است غصبا ملک مورد ادعای وقفیت را از تصرف متصدی وقف انتزاع نموده تقاضای تحقیق محلی کرده و هر دو امر قانوناً قابل اثبات بشهادت شهود است بنا بر این استدلال دادگاه باینکه وقفیت قابل اثبات بشهادت نیست بر خلاف تقاضای فرجام خواه است و از این جهت حکم مورد شکایت فرجامی مخدوش و بموجب ماده ۳۴۰ و ماده ۳۴۵ آیین دادرسی آزمایشی باتفاق آراء شکسته میشود... »

## رأی دیوان کشور بر استوار کردن

در موردی که اجاره دادن مورد اجاره را بکسی دیگر پیش از گذشتن موعد بواسطه فسخ مستاجر

بزه شناخته نشده

## ماده ۱۱۷ قانون ثبت

کرده است - دادستان فرجام خواسته - دیوان کشور شعبه ۵ در دادنامه شماره ۱۷۰۲ بتاریخ ۲۴/۷/۱۸ چنین رأی داده است:

« مفاد اعتراض دادستان استانی مبنی بر اینست که با اعتراف صریح متهم به اینکه يك ملك را دو دفعه اجاره داده است تخلف متهم از ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد محرز بوده است و این اعتراض وارد نیست چه آنکه اعتراف

اداره اوقاف بدرخواست ثبت کسی اعتراض کرده و اظهار داشته که ملک مورد درخواست ثبت وقف بوده و مورث خوانده غصبا تصاحب و دخالت کرده است - دادگاه شهرستان پس از رسیدگی نسبت به چهار دانگ دعوی را ثابت ندیده و اداره را محکوم ببیحقی کرده و نسبت بدو دانگ وقفیت را ثابت دانسته و غیاباً خوانده محکوم برفع ید میشود - خوانده اعتراض نموده و دادگاه شهرستان پس از رسیدگی (بعنوان اینکه تصرفات ممتد خوانده و بد سابق او بعنوان مالکیت در ملک محرز است و چون از طرف اوقاف دلیل قابل توجهی بر وقف بودن دو دانگ ملک اقامه نشده و اصالت نوشته جات استنادی خواهان که مورد تکذیب خوانده واقع گردیده محرز نشده) دعوی وقفیت دو دانگ را ثابت ندانسته است - اداره اوقاف نسبت بتمام شش دانگ پژوهش خواسته - اعتراض پژوهش خواه این بوده که درخواست تحقیق محلی شده و دادگاه نپذیرفته است و برای اثبات تصرف سابق متصدیان وقف بعنوان

کسی باتهام اینکه ملک خود را که در دو موعد بدو کس اجاره داده بدون آنکه مدت اجاره نخستین گذشته باشد باستناد ماده ۱۱۷ قانون ثبت مورد تعقیب واقع شده و دادگاه جنائی رسیدگی بعمل آورده و باتوجه باظهارات شاکی خصوصی که گفته است دکان را خودم تخلیه و اجاره را فسخ کردم که متهم دکان دیگری بمن اجاره دهد عمل متهم را در حدود ماده استنادی ندانسته و اورا تبرئه

فرجامی نیست و چون از جهات دیگری نیز اشکالیکه مؤثر باشد بنظر نرسید حکم فرجام خواسته باتفاق آراء استوار میشود)

مزبور منافی با استتباط دادگاه که متهم اجازه ثانوی را با اجازه مدعی خصوصی (شاکی) بعمل آورده نمیباشد و اعتراض باینکه اجازه شاکی معلوم نیست ایراد بنظر دادگاه و راجع بماهیت امر است که قابل طرح در مرحله

رای دیوان کشور بر شکستن

در موردی که بگواهی گواهان از طرف خواننده اعتراض شده و دادگاه ترتیب اثر نداده

ماده ۳۳۹ آئین دادرسی

« نظر باینکه وکیل فرجام خواه در دادگاه استان در صورت مجلس نسبت بگواهان و گواهی آنان اظهاراتی نموده و شهود را جرح کرده است - دادگاه مزبور بدون اینکه ایرادات مشارالیه را مورد توجه و رسیدگی قرار دهد رأی خود را صادر نموده است بنابراین حکم فرجام خواسته معلول و بموجب ماده ۳۳۹ قانون اصول محاکمات آزمایش باتفاق آراء نقض میشود . »

کسی در دادگاه نخستین محکوم بیحقی شده و دادگاه استان باستناد سندی که اصالت آن بوسیله گواهی گواهان ثابت دانسته و از لحاظ اختلاف گوئی آنها مورد اعتراض طرف واقع و دادگاه بآن اعتراض ترتیب اثر نداده حکم نخستین را گسیخته و خواننده را محکوم کرده بر اثر فرجام خواهی محکوم علیه دیوان کشور شعبه ۳ در دادنامه شماره ۹۶۵ بتاریخ ۲۲/۵/۱۸ چنین رأی داده :

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردی که دادگاه استان (با آنکه دادستان ذیل دادنامه پژوهش خواسته بوده) دادخواست را وازده ماده ۳۴۹ اصلاحی آئین دادرسی کیفری

بشکایت متهم اعتراض را وارد ندیده و دادنامه استوار می شود - دادسرای استان فرجام خواسته - شعبه (۵) دیوان کشور پس از رسیدگی در دادنامه شماره ۱۷۳۱ بتاریخ ۲۴-۷-۱۸ چنین رأی داده است :

کسی در دادگاه جنحه بیزه قتل غیر عمدی بحبس تادیبی محکوم میشود و موقع اعلام رأی زیر آن درخواست رسیدگی پژوهشی نموده و دادستان شهرستان نیز نوشته است از لحاظ کمی کیفر درخواست پژوهشی دارم - دادگاه استان نسبت بدرخواست پژوهشی دادستان ( با استدلال اینکه در حدود ماده ۳۴۹ آئین دادرسی کیفری شکایت پژوهشی نشده و صرفاً ذیل رأی نوشته شده که نسبت بداد نامه درخواست رسیدگی پژوهشی میشود و این جمله جانشین دادخواست پژوهش منظور در ماده مذکور نیست و این قبیل شکایتها از طرف متهم از نظر ارفاق پذیرفته است نه از طرف دادستان و مدعی خصوصی) دادخواست را وازده و نسبت

« اعتراض دادستان استان که از طرف دادستان شهرستان ذیل حکم تصریحاً پژوهش خواسته شده و قرار دادگاه مبنی بر رد تقاضای دادستان برخلاف قانون بوده بنظر وارد می آید چه آنکه در امور کیفری عدم رعایت بعضی مقررات راجعه بدادخواست موجب رد تقاضا نمیباشد بنا بر این حکم فرجام خواسته که باتکاء عدم وجود دادخواست پژوهشی از طرف دادسرا صادر شده باتفاق آراء شکسته شده . . . »

### رأی دیوان کشور بر وازدن درخواست

دوموردیکه از طرف دادستان دیوان کیفر فرجام ماهیتی خواسته شده  
ماده ۶ قانون مصوب دیماه ۱۳۱۷ و ماده ۱۳۳ قانون کیفر عمومی

حکم تبرئه بدادستان دیوان مزبور داده ناظر بمواردی است که حکم تبرئه متهم نسبت بمصل عمل انتسابی صادر شده باشد و شامل موردیکه دادگاه حکم به ثبوت اصل عمل میدهد ولی کیفیات یا آثار و نتایج آنرا به قسمی که مورد دعوی واقع شده محرز نمیداند نخواهد بود و نظر باینکه در این مورد اصل عمل انتسابی را که ایراد ضرب از ناحیه متهم نامبرده بوده دادگاه محرز دانسته و درباره او تعیین کیفر نموده و فقط تاثیر آنرا در فلج شخص مضروب ثابت ندیده لذا درخواست فرجام دادرسی مزبور با استناد آن قانون بیوجه است و وازده می شود

یکی از خدمتگذاران دولت بانتهام ورود شبانه بی اجازه بخانه کسی و ایراد ضرب بمصاحب خانه مورد تعقیب واقع و بارعایت تخفیف با استناد ماده ۱۳۳ و ۱۷۳ و رعایت تخفیف بدوماه حبس تادیبی محکوم شده - بر اثر فرجام خواهی دادستان دیوان کیفر - دیوان کشور شعبه (۲) در دادنامه شماره ۱۶۸۷ بتاریخ ۱۸/۷/۲۳ چنین رأی میدهد

(راجع بدخواست فرجام دادرسی دیوان کیفر از جهت منتهی ندانستن دادگاه ضرب وارد از طرف او را بفاج شدن مضروب نظر باینکه ماده شش قانون مصوب دیماه ۱۳۱۷ که حق فرجام ماهوی را در مورد

### رأی دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه دادخواست اعسار را بواسطه نقصی که داشته وازده دادخواست پژوهشی را هم نپذیرفته است

حکم نخستین ابلاغ نشده بوده و تا موقع تقدیم دادخواست دوم نیز ابلاغ حکم مزبور معلوم نیست و در اینصورت که تا آن موقع حکم ابلاغ نشده باشد موعد پژوهش نسبت بفرجامخواه باقی بوده و دادخواست مجدد قبل از آنکه مهلت قانونی بگذرد تقدیم شده و در اینصورت قرار وازدن دادخواست بعنوان نقص مانع از قبول دادخواست مجدد که در موعده داده شده نخواهد بود بنابراین قرار وازدن دادخواست با استدلال اینکه سابقا دادخواست داده و وازده شده صحیح نبوده و قرار مزبور بموجب شق سوم ماده ۳۴۰ آیین دادرسی اصلاحی باتفاق آراء شکسته می شود

کسی در دادگاه نخستین محکوم به بیحقی شده محکوم علیه دادخواست اعسار از هزینه دادرسی بدقت داده و بعنوان عدم رفع نقص وازده شده پس از آن محکوم علیه از محکومیت خود دادخواست داده با استناد آنکه پس از رسیدگی در دادگاه استان و صدور قرار وازدن دادخواست اعسار از هزینه دادرسی تقدیم دادخواست مجدد پژوهشی بيمورد دانسته و وازده است - دیوان کشور شعبه (۳) در دادنامه شماره ۱۶۴۶ بتاریخ ۱۸/۷/۲۶ چنین رأی داده است:

«چون بر حسب حکایت قرار سلب دادگاه استان و محتویات پرونده قرار وازدن دادخواست پژوهش به واسطه نقصان دادخواست در موقعی صادر شده که هنوز

## رای دیوان کشور بر شکستن

در موردی که بجای قرار عدم استماع دعوی حکم بطلان دعوی داده شده

نتیجه حکم بطلان دعوی نموده در صورتیکه نتیجه این مقدمه و آن استناد صدور قرار عدم استماع دعوی و عدم تجدید آن بوده نه حکم بطلان چه حکم بطلان در صورتی است که دادگاه رسیدگی بماهیت و مستندات نموده و سپس در صورت اقتضا علی‌الاصول حکم بطلان دعوی مدعی نماید. نه اینکه بلاحفاظ طرح سابق و مختوم شدن آن و عدم جواز تجدید و طرح آن حکم بطلان دعوی نماید علیهذا تایید دادگاه استان نسبت به حکم شهرستان برخلاف اصول صادر گردیده و باتفاق آراء مطابق ماده ۳۴۰ قانون آزمایش نقض میشود.»

کسی در دادگاه شهرستان با استناد اینکه سابقاً نسبت باین دعوی حکم صادر شده و تجدید دعوی مورد ندارد محکوم بطلان دعوی شده و دادگاه استان آنرا استوار کرده است. دیوان کشور شعبه (۱) در حکم شماره ۱۰۴۱ بتاريخ ۱۸/۵/۲۰ چنین رأی داده است:

«بر حکم دادگاه استان که حکم شهرستان را تایید نموده است اشکال وارد است چه آنکه دادگاه شهرستان با استناد اینکه قبلاً در موضوع همان دعوی از همان دادگاه حکم به محکومیت مدعی صادر گردیده و در دادگاه از طرف مدعی علیه حکم مزبور ابراز و استناد بآن شده تجدید دعوی را جائز ندانسته و در

## رای دیوان کشور بر استوار کردن

در موردیکه بشکایت شاکی ۱۸ ساله ترتیب اثر داده نشده

ماده ۲۷۷ قانون کیفر و ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی

متضرر از بزه که در ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی به مدعی خصوصی تعبیر شده باید اهلیت قانونی داشته باشد و مطابق مقررات قانون مدنی که فعلاً مناس عمل است کسانی که سن ۱۸ سال تمام نرسیده اند اهلیت برای دعوی مدنی ندارند و لذا برای این قبیل اشخاص نمیتوان هیئت قانونی بطوریکه بتوانند مدعی خصوصی شناخته شوند قائل شد و با اینکه خود شاکی سن خود را ۱۸ سال تعیین نموده و مستفاد از حکم اینست که دادگاه استان هم به طوریکه در حکم بدوی تصریح گردیده سن متهم را ۱۸ سال تمام ندانسته دیگر دادگاه مزبور برای ترتیب اثر دادن شکایت نسبت بجنبه عمومی تکلیف دیگری نداشته است بنابراین حکم مورد در خواست نتیجه خالی از اشکال است و باتفاق آراء ابرام میشود.»

جوانی هیجده ساله بانهام ایراد ضرب از کسی شکایت کرده دادگاه جنبه بعنوان عدم اهلیت حکم موقوف ماندن تعقیب متهم را داده و در مرحله پژوهشی استوار شده. دادستان استان از حکم نامبرده رسیدگی فرجامی خواسته. دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۱۰۵۹ بتاريخ ۱۸/۵/۱۸ چنین رأی داده است:

«اعتراض دادستان استان بر حکم مورد در خواست رسیدگی فرجامی نتیجه آنکه (در مواردی که تعقیب جنبه عمومی بزه موقوف بشکایت مدعی خصوصی است شکایت متضرر از بزه کافی است و سن او مدخلیتی ندارد) علاوه در این مورد که سن شاکی ۱۸ سال تمام بوده و اگر دادگاه تردید داشته میباشد در این باب



## رای دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه باقرار خواننده بمالکیت قبلی خواهان توجه نشده وتصرف را ملاک قرار داده از

ماده ۳۶ و ۳۷ قانون مدنی

مشارالیه زده شده بکارشناس رجوع نموده و کارشناسان پس از ملاحظه بر گه‌های نامبرده باین مضمون اظهار عقیده کرده‌اند (بنظر اینجانابان میتوان گفت هر دو مهر یکی است) و عقیده خود را که مبنای حکم واقع شده بطور منجز بیان نموده‌اند و همچنین با ابراز وصیت نامه از طرف فرجام خواننده که در مقدمه آن تصریح شده که رقبه مورد اعتراض بمورث فرجامخواه صلح شده که بعداً مشارالیه آنرا وقف نماید که تصدیق و اعتراف بمالکیت قبلی جداست و صرف گواهی گواهان بتصرف وقف بدون ارائه سبب ناقل بر طبق فلسفه و روح ماده ۳۷ قانون مدنی نمیتوان کافی برای ثبوت وقف دانست بنا بر این اعتراض فرجامخواه در هر دو قسمت وارد و حکم فرجام خواسته بموجب ماده ۳۴۰ آئین دادرسی باتفاق آراء شکسته میشود . . . . .»

اداره اوقاف بعنوان وقفیت بردرخواست ثبت ملک کسی اعتراض کرده و معترض در مرحله بدوی محکوم ولی در مرحله پژوهشی دادگاه استان بااستناد گواهی گواهان و اجازه نامه معترض که اصالت آن محرز شده حکم نخستین را گسیخته و درخواست ثبت بعنوان ملک بودن را باطل شناخته است دیوان کشور شعبه (۳) در دادنامه شماره ۱۶۸۹ بتاریخ ۱۸/۷/۱۷ چنین رأی داده است: «رای فرجامخواسته خالی از خدشه نیست زیرا رونوشت اجازه نامه حاکی از اینکه باغ مورد اعتراض بعنوان وقف اجاره داده شده و اداره اوقاف آنرا مستند خود قرار داده و مدعی بوده که خود فرجامخواه و پدرش مطابقت رونوشت مزبور را بااصل اجاره نامه مهر کرده مورد تکذیب فرجامخواه واقع شده و دادگاه برای تطبیق مهر مزبور بامهر پدر فرجامخواه که درظهر اجاره نامه ابرازی خود

## رای دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه رای اصلاحی داورها از نظر ثبت نشدن در دفتر رسمی پذیرفته نشده

ماده ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت اسناد

« چون مطابق محتویات پرونده عمل در ضمن جریان قضیه پس از طی مراحل بدوی و پژوهش در مرحله فرجامی بتراضی طرفین بحکمهای منتخبه بانفویض حق اصلاح ارجاع و به اصلاح منتهی گردیده و چون ظاهر از مصالحه نامه مذکور در ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد مصالحه نامه است که دائر بانقال اموال و باحقوق مابین متصالحین بدو تنظیم و در محاکم دادگستری مورد استناد واقع شود و بورقه تنظیمی حکمها که از حیث داشتن حق اصلاحی دعوی راقطع نموده‌اند نظری نداشته و تصمیم آنها را که مبنی بر فصل و رفع خصومت بوده مطابق ماده ۱۹ قانون حکمیت خاتمه قضیه است نمیتوان مشمول ماده ۴۷ قانون ثبت دانست . . . . .»

کسی بااستناد رای اصلاحی داورها مقداری ملک و اجرت از خواننده مطالبه کرده و دادگاه نخستین رای به تخلیه ملک و پرداخت اجور داده دادگاه استان پس از رسیدگی یکی از اعتراضات پژوهش خواهان را که میبایستی برحسب ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد ورقة رای داور که مطابق اختیار اصلاحی دعوی را بصلح خاتمه داده در دفتر اسناد رسمی ثبت شده باشد وارد دیده و چون در اینموضوع موافق آن ماده و ماده ۴۸ همان قانون عمل شده ورقه نامبرده در دادگاه قابل پذیرفتن نبوده حکم پژوهش خواسته را فسخ و خواهان را محکوم کرده . محکوم علیه فرجام خواسته دیوان کشور شعبه (۱) در حکم شماره ۲۰۹۶ بتاریخ ۱۸/۸/۳۰ چنین رأی داده است :

استان از جهت عدم صحت استدلال مخدوش و مطابق ماده ۳۴۰ و ملاک ماده ۴۴۴ با اتفاق آراء شکسته میشود»

دفتر رسمی ثبت نشده ناقص و ملغی الاثر باشد بنابراین مانع قانونی از قبول ورقه مزبوره نبوده و حکم دادگاه

### رای دیوان کشور بر شکستن

در موردی که کسی بمسئند اقرار مقید محکوم شده

ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی

کسی در دادگاه نخستین بعنوان آنکه اعتراف

رای داده :

«چون مطابق محتویات پرونده بازجوئی شهر بانی مدعی بدوی دعوی امانت بودن دو دستگاه اتومبیل را نزد فرجامخواه داشته که قبلاً بعنوان خیانت در امانت اقامه دعوی جزائی بر مشارالیه نموده بوده و محصل اظهارات او در مقام دفاع از دعوی مزبور در آن مرحله این است که اخذ اتومبیلها در مقابل وجوه گنج و آهک که تحویل داده شده بوده که مال اظهارات مزبوره همان عدم اشتغال ذمه خود بابت قیمت اتومبیلها میباشد بنا براین اقرار مشارالیه باخذ اتومبیلها مقید بقید و وصفی است که مدعی مطابق ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی نمیتواند آنرا تجزیه کرده و قسمتی را که خودش منکر آن بوده ولی بنفع او میباشد مورد استفاده قرار دهد لذا استدلال دادگاه مخدوش و از این جهت مطابق ماده ۳۴۳ قانون آزمایش مقفوض است.»

بخزید دو دستگاه اتومبیل کرده و مدعی شده که در برابر بهاء آن مصالح ساختمانی داده از لحاظ اقرار و عدم اثبات پرداخت وجه محکوم شده - دادگاه استان بر اثر درخواست پژوهشی از طرف محکوم علیه خلاصه چنین رأی داده :: (تصمیم دادگاه و دلایل آن بمقتضای اقرار بر صریحه پژوهش خواه در بازجوئی اداره آگهی و غیره خریداری دو دستگاه اتومبیل از پژوهش خوانده محقق و بلا اشکال و با ثبوت اشتغال او بضمن دعوی پرداخت ثمن معامله از طریق گنج و آهک و احتساب وجه آن اتومبیلها بابت گنج و آهک مزبور غیر مدلل و بالتیجه تسلیم ثمن بیایع ثابت نیست و اعتراض موجهی هم که حکم دادگاه شهرستان را متزلزل کند از طرف وکیل پژوهش خواه بعمل نیامده و حکم مزبور تایید میشود) - دیوان کشور شعبه (۱) در دادنامه شماره ۹۶۳ بتاریخ ۱۸/۵/۳ چنین

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه در مورد استناد پژوهش خواه بدفاتر طرف دفاتری که ابراز شده مربوط بمحاسبه او نبوده

ماده ۷۹ قانون آزمایش

لایحه پژوهشی استناد بدفاتر شرکت کرده و دفاتری که ابراز شده مربوط بمحاسبه موکل او نبوده و دفاتری که مورد استناد بوده ابراز نشده و چون این اظهار از طرف فرجام خواه در مرحله رسیدگی پژوهشی شده و دادگاه توجیهی بآن ننموده و در حکم خود دلیلی بر رد آن ذکر نکرده لذا تحقیقات ناقص و حکم مورد شکایت مخدوش است و بموجب شق ۳ ماده ۴۳۰ اصول محاکمات اصلاحی ۱

کسی در دادگاه شهرستان بخواسته مبلغی بر هیئت تصفیه شرکتی اقامه دعوی کرده و دادگاه پس از رسیدگی دادنامه بعدم ثبوت دعوی خواهان صادر می کند - از این حکم پژوهش خواسته و در دادگاه استان نیز استوار میشود - محکوم علیه فرجام خواسته - شعبه ۴ دیوان کشور در دادنامه شماره ۱۱۷۹ بتاریخ ۱۸/۵/۱۸ چنین رأی داده است :

نقض میشود»

« از جمله اعتراضات فرجام خواه این است که در



## تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه در دعوی ناشی از قرار داد بمقاد صریح سند معنی دیگری داده

ماده ۳۴۴ قانون آزمایش

نشده دفتر خود را ابراز نماید و بالاخره آنچه مورد استفاده قطعی دادگاه بوده اینست که وجه بیعانه را بفروشنده دلال نداده و این ورقه حسب معمول بازار از طرف فروشنده امضاء شده که بمدا بوسیله دلال این ده هزار ریال گرفته شده و معامله عملی شود و اینگونه اوراق که مقدمه يك معامله است و دلالتی از طرفین نمیگیرند و ممکن است بعدا معامله تمام نشود قابل ترتیب اثر نیست خاصه اینکه این قرارداد و معامله مبتنی بر این بوده که ده هزار ریال چك به عنوان بیعانه فروشنده دریافت نماید و حال آنکه بشرح فوق این معنی منتفی است لذا حکم پژوهش خواسته شده منسوخ و مدعی پژوهش خواننده محکوم به بیعقی است - خریدار از این دادنامه در خواست فرجام کرده و شعبه (۳) دیوان کشور در دادنامه شماره ۱۴۵۵۵ بقراریخ ۱۸/۶/۳۱ چنین رای داده است «اعتراض فرجام خواه بخلاف دادگاه استانی برخلاف مفاد قرارداد که نزد طرفین لازم العمل میباشد رای داده بحکم فرجام خواسته وارد است چه قرار داد مزبور اشعاری ندارد باینکه در صورت عدم وصول وجه بیعانه معامله ملغی شود و با تسلیم نمودن چك بفروشنده عدم وصول وجه آن از طرف مشارالیه موجب تخلف خریدار از مفاد قرارداد بر فرض اینکه تسلیم بیعانه در قرار داد شرط شده باشد نخواهد شد - و دادگاه بمقاد صریح قرار داد معنی دیگری داده بنا بر این حکم مزبور بالاستناد بماده ۳۴۴ قانون آئین دادرسی آزمایش با اتفاق آراء شکسته میشود...

کسی دادخواستی بدادگاه شهرستان تقدیم و اظهار داشته که خواننده مقداری نخته با فروخته که در روز تحویل دهد و بیعانه را هم گرفته و سر موعد تسلیم مبیع خودداری کرده - مستند عبارت بوده از رونوشت قراردادی که خواهان مقداری نخته از خواننده خریده و فروشنده صریح کرده که دو فقره چك بعنوان بیعانه گرفته است و کیل خواننده وصول بیعانه را تکذیب نموده و خواهان را بیعقی دانسته - دادگاه (با استدلال اینکه قرارداد صریحاً واقع شده و از عبارت آن استفاده نمیشود که وقوع معامله مبتنی بر پرداخت بیعانه بوده و وصول نشدن بیعانه یا اقدام نکردن خریدار در وصول وجه دو فقره چك مفید عدم معامله نیست) خواننده را محکوم به تسلیم مبیع پس از دریافت نمون مینماید. محکوم علیه پژوهش خواسته و دادگاه استانی پس از رسیدگی چنین رأی میدهد (ورقه مستند دعوی بضمیمه توضیحاتیکه طرفین داده اند قول نامه است که بوساطت دلال و واسطه معامله تنظیم شده و از مفادهاش متن که دارای امضاء طرفین است معلوم میشود که بناء طرفین بر این بوده که دو فقره چك (هر يك بمبلغ پنجهزار ریال) از طرف خریدار بعنوان بیعانه تسلیم فروشنده شود و فروشنده هم در موعد مقرر مبیع را تسلیم دارد که هر چند حسب ظاهر ورقه این دو فقره چك تسلیم خریدار شده ولیکن بدلیل اینکه نمره یکی از آنها غیر معلوم و از طرف مدعی هم باسئوال دادگاه معلوم نشده و از طرف دیگر حسب الاعتراف وجه آن چکها را فروشنده از بانک نگرفته است و بالاستناد بدقت او نیز حاضر